



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Presenting a Model to Promote Parents' Interaction with School and its Role in Children's Educational Progress: a Mixed Method

Mohammad Ali Nadi^{*1}, Fariba Karimi², Fariba Agah³

¹ Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Education and Psychology, Isfahan (Khorasgan) branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

² Associate Professor, Department of Educational Administration, Faculty of Education and Psychology, Isfahan (Khorasgan) branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

³ PhD student in Educational Administration, Faculty of Education and Psychology, Isfahan (Khorasgan) branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Interaction
Mixed Approach
Parents
School
Teachers

¹. Corresponding author
✉ Mnadi@Khuisf.ac.ir


Received: 2022/09/26
Reviewed: 2023/10/15
Accepted: 2023/12/13

Background and Objectives: Parents' participation has been considered in previous researches, but the identification of the components that promote this approach and children's academic progress has been less investigated. The purpose of this research was to provide a model to promote the interaction of parents in the direction of children's academic progress. **Methods:** The present research was conducted with a mixed method of sequential exploration. The statistical population was principals of primary, first and second secondary schools and 535 principals were selected by cluster sampling. The sampling of the qualitative part was done with a purposeful and criteria-based technique. The research tools of the qualitative part were open interviews with the participants and review of library documents and key documents of education and high-hand documents, and in the quantitative part, a questionnaire created by the researcher based on the findings of the qualitative part. The validity of the qualitative part was done by the audit method by judges and the reliability of the qualitative data was done by the exploration method by the participants. The validity of the questionnaire was confirmed by using convergent and divergent validity and reliability by means of factor loadings, Cronbach's alpha and composite reliability. Qualitative data analysis was done by thematic analysis method and quantitative part data analysis was done by confirmatory factor analysis method. **Findings:** A model for improving parents' interaction with the school was compiled by identifying 30 basic themes and 5 organizational arrangements and aligning the attitude and performance. **Conclusion:** The results based on the findings of this research, by using the factors identified in the proposed model, the interaction of parents with the school is improved, and according to the participants' point of view, the children's academic progress is possible with the continuous relationship between the parents.

ISSN (Online): 2645-8098

DOI: [10.48310/pma.2024.12481.3667](https://doi.org/10.48310/pma.2024.12481.3667)

Citation (APA) Nadi, M., & Karimi, F., Agah, F. (2024). Presenting a model to promote parents' interaction with school and its role in children's educational progress: a mixed approach: Mixed method. *Educational and Scholastic studies*, 13 (3), 107 - 124 .

 <https://doi.org/10.48310/pma.2024.12481.3667>



ارائه مدل به منظور ارتقای تعامل والدین با مدرسه و نقش آن در پیشرفت آموزشی فرزندان: رویکردی آمیخته

مقاله پژوهشی / مروری

محمدعلی نادى^{۱*}، فریبا کریمی^۲، فریبا آگاه^۳

۱ استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲ دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: مشارکت والدین در تحقیقات پیشین مورد توجه قرار گرفته است، اما شناسایی مؤلفه‌هایی که موجب ارتقای این رویکرد و پیشرفت تحصیلی فرزندان گردد کم‌تر بررسی شده است. هدف این پژوهش ارائه مدل به منظور ارتقای تعامل والدین در راستای پیشرفت تحصیلی فرزندان بود. **روش‌ها:** پژوهش حاضر با راهبرد ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی انجام شد. جامعه آماری، مدیران مدارس ابتدایی، متوسطه اول و دوم بود و با نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۵۳۵ نفر از مدیران انتخاب شدند. نمونه‌گیری بخش کیفی هدفمند و با تکنیک ملاک‌محور صورت گرفت. ابزار پژوهش بخش کیفی، مصاحبه باز با مشارکت‌کنندگان و بررسی اسناد کتابخانه‌ای و مدارک کلیدی آموزش و پرورش و اسناد بالادستی و در بخش کمی، پرسش‌نامه ایجادشده توسط محقق، بر اساس یافته‌های بخش کیفی بود. روایی بخش کیفی، با روش ممیزی توسط داوران و اعتباریابی داده‌های کیفی با روش کاوش به وسیله مشارکت‌کنندگان انجام شد. روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی همگرا و واگرا و پایایی به وسیله بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید شد. تحلیل داده‌های کیفی به روش تحلیل مضمون و تحلیل داده‌های بخش کمی با روش تحلیل عامل تأییدی صورت گرفت. **یافته‌ها:** با شناسایی سی مضمون پایه و مضامین سازمان‌دهنده رهیافت عملی تعامل، فرهنگ‌سازی و مدیریت تعامل، تمهیدات سازمانی و همسوسازی نگرش و عملکرد مدل ارتقای تعامل والدین با مدرسه تدوین شد. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این پژوهش، با به‌کارگیری عوامل شناسایی شده در مدل پیشنهادی، تعامل والدین با مدرسه ارتقاء یافته و بنا بر دیدگاه مشارکت‌کنندگان با روابط مستمر والدین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان میسر می‌شود.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

اولیا
تعامل
رویکرد آمیخته
مربیان
مدرسه

۱. نویسنده مسئول
Mnadi@khuisf.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

شماره صفحات: ۱۲۴ - ۱۰۷

DOI: [10.48310/pma.2024.12481.3667](https://doi.org/10.48310/pma.2024.12481.3667)

شاپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۸۰۹۸

COPYRIGHTS



©2024 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

نظام آموزش و پرورش در تعلیم و تربیت نیازمند مشارکت والدین است. خانه و مدرسه زمانی می‌توانند رسالت آموزشی و تربیتی خاص خود را به نحو مطلوب انجام دهند که شناخت یکسان و بصیرت کافی در انجام نقش خود به‌عنوان ذی‌نفعان آموزش و پرورش ایفا کنند. جامعه و اولیای دانش‌آموزان انتظار دارند مدرسه محیطی رشددهنده و پویا برای فرزندان‌شان باشد و موجبات پیشرفت تحصیلی آنان را فراهم کند؛ در این راستا، انجمن اولیا و مربیان که مهم‌ترین جایگاه ارتباطی خانه و مدرسه است نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، اگرچه تقریباً همه اهداف انجمن اولیا و مربیان، به جنبه‌های تربیتی از طریق برقراری ارتباط صحیح بین مدرسه و خانه توجه دارد، اما نگاه صرفاً مادی مدارس به مشارکت اولیا باعث فاصله‌گرفتن خانواده‌ها از مدارس شده است (Bagheri et al., 2013). با حضور مستمر والدین در مدرسه و توجه و رسیدگی آنان به امور تحصیلی فرزندان در خانه، دانش‌آموزان پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای در درس و تحصیل خواهند داشت و خانواده به‌عنوان نخستین تأثیرگذار و زمینه‌ساز پیشرفت آموزشی و تربیتی فرزندان، در شکل‌گیری نگرش‌ها و عادات و رغبت‌های دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و تکالیف آن، تعیین‌کننده و پیش‌بینی‌کننده سرنوشت تحصیلی دانش‌آموزان است (Karimi, 2017). مشارکت والدین و تعامل آنان با مدارس، آثار و پیامدهای مثبتی بر نتایج آموزشی دانش‌آموزان دارد و این نقش در بهبود کیفیت آموزشی شناخته شده است. مشارکت بین اجزای نظام آموزش و پرورش در تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌ها، به سبب اهمیت و گستردگی نظام آموزشی بیش از سایر نهادها ضروری به نظر می‌رسد. امروزه معلمان، تنها کسانی نیستند که اطلاعات ارزشمندی برای انتقال به والدین دارند و والدین نیز صرفاً دریافت‌کنندگان اطلاعات در مورد دستاورد و نتایج رفتار کودکان نیستند؛ لذا دانش و افکار والدین باید شنیده و قدردانی شود، زیرا آنان اطلاعات ارزشمندی در مورد یادگیری و رشد کودکان‌شان به معلمان ارائه می‌دهند (Goodall, 2018). از طرفی، در همه کشورهای، میزان عملکرد تحصیلی، یکی از شاخص‌های موفقیت در فعالیت‌های علمی و یکی از ملاک‌های ارزیابی نظام آموزشی است و به همین دلیل در کشورهای توسعه‌یافته همکاری میان خانه و مدرسه به‌صورت منسجم وجود دارد و این دو نهاد مسئولیت مشترک خویش را با هم‌فکری، همکاری و هماهنگی انجام می‌دهند (Pihlaja & Orell, 2020)، و در سند تحول بنیادین نیز بر نقش والدین در تربیت رسمی فرزندان و استفاده حداکثری از مشارکت والدین تأکید شده است (Namdari Pejman, 2024).

مسئله مهم و اساسی آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای جهان، عدم وجود ارتباط نزدیک و صمیمی بین مدرسه و خانواده است. نظام آموزشی ما نیز اگرچه در سال‌های اخیر قدم‌هایی در جهت مرتفع کردن این مشکل برداشته است، لیکن نتوانسته این معضل را کاملاً برطرف نماید. علل عمده این مشکل از دیدگاه جعفری یوسفی (Jaafaryousefi & Feraydounnejad, 2014)، ضعف در ساختار و نظام ارتباطی مدرسه، عدم آگاهی اولیا از نقش خودشان در توسعه علمی فرزندان، شیوه نامناسب برخورد مدارس و عدم اطلاع والدین از ظرفیت‌های قانونی ایجاد شده به‌منظور تعامل با مدرسه است. والدین نیز به اندازه کافی از آموزش فرزندان حمایت نمی‌کنند و مدیران مدارس در ایجاد تعامل با خانواده‌ها احساس درماندگی دارند (Shirbagi et al., 2016). از دیگر موانع حضور اولیا در مدارس و تعامل آنان، مشغله‌های والدین است، که موجب حضور پرننگ‌تر مادران است (Rahimi & Ghanati, 2015)، مسئله دیگر این است که شرایط و ویژگی‌های والدین و دانش‌آموزان، عدم انعطاف معلمان، مشکلات اقتصادی و نبود فرهنگ مداخله نیز از جمله موانعی است که ارتباط دوسویه خانه - مدرسه را با مشکل مواجه ساخته است (Shahri et al., 2018).

در اغلب پژوهش‌های داخلی، لزوم مشارکت والدین در مدرسه و اهمیت آن در نتایج پیشرفت تحصیلی از زاویه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است از جمله پژوهش ذاکری کلات (Zakeri Kalat, 2014) نشان داد انگیزش والدین برای مشارکت در فعالیت‌های مدرسه زمانی است که این همکاری به‌عنوان بخشی از نقش آنان در مدرسه تلقی و مورد احترام واقع شوند و از سویی فرهنگ مشارکت مورد پذیرش هر دو سوی این ارتباط باشد. خادم‌مسجدی (Khademmasjedi & Norouzi, 2016) و جاوید زدی و جیران (Javid & Izadijeyran, 2011) نیز در پژوهش‌های

خود دریافتند تثبیت فرهنگ مشارکت به بهبود تعامل و شیوه‌های رفتاری مثبت می‌انجامد. در واقع پذیرش هنجارهای خانه و مدرسه از دو سوی تعامل این روند را تسهیل و موانع را از بین می‌برد. البته تعدادی از پژوهشگران به نقش مؤثر مدیران در این زمینه پرداخته‌اند؛ از جمله شارع‌پور (Sharepour, 2005) سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را از عوامل زمینه‌ای در ارتباط مدرسه و خانه معرفی نموده و اولویت را به عوامل فرهنگی اختصاص دادند. ساختار غیرمتمرکز و آزادی مدیران در نحوه اجرای برنامه‌های پرجاذبه برای والدین از موارد دیگری است که در پژوهش‌های داخلی به آن اشاره شده است. یافته‌های معروفی و محمدی (Maroofi, Y., & Mohammadi, 2019) بیانگر این موضوع است که زیرساخت‌های مناسب، به‌سازی و ترمیم سیاست‌های کلان در راستای ایجاد و تقویت تعامل اولیاء-مربیان است. علاوه بر این، در دنیای پرشتاب و متحول امروز و ظهور فناوری‌های پیشرفته که موجب افزایش تعاملات اجتماعی در جوامع شده است، آگاهی والدین، دانش‌آموزان و ذی‌نفعان تعلیم و تربیت افزایش یافته و انتظارات از مؤسسات آموزشی نیز به سطوح بالاتر ارتقاء و تنوع یافته است و لزوم کارگاه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی بیش از پیش ضروری است که عسکری (Askari et al., 2021) و سیف نراقی و فریقی (Sayf Naraghi & Farighi, 2013) در پژوهش‌های خود به این موارد اشاره داشته‌اند.

پژوهش‌های خارجی در حوزه تعامل والدین با مدرسه نیز قابل توجه هستند و از آن‌جا که اداره مدارس اغلب به شیوه‌های انبساطی است، بیش‌تر سازمان مدرسه را مورد مذاقه قرار داده که با برنامه‌های کارآمد و در راستای مشارکت والدین، اهداف تعلیم و تربیت را محقق سازند. در برخی از این پژوهش‌ها (Toston, 2013; Cooper, 2015; Mo & Singh, 2008) به پیامدهای مثبت مشارکت والدین در موفقیت تحصیلی فرزندان و هم‌سویی و هماهنگی خانواده در دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی اشاره داشتند و در نتایجی مشابه در مطالعات دیگر (Wang & Sheikh Khalil, 2013; Evans, 2017)، دعوت از والدین و نظرخواهی از آنان در خصوص مسائل آموزشی و تعاملات چهره به چهره، نوشتاری و کلامی را در زمینه تعامل با مدرسه اثربخش یافتند. لکلی و کلوتی (Lekli & Kaloti, 2015) گردهمایی‌های هدفمند و مستمر با سخنرانی‌های جذاب، اکی کی (Oki ki, 2014) و المستد (Olmstead, 2013) تشکیل جلسات توجیهی را در خصوص چگونگی تعامل و همکاری خانه-مدرسه از راهبردهای خاص از نوع مشارکتی یافتند. فیتزجرالد (Fitzgerald, 2010) به این نتیجه رسید که بازدیدهای آموزشی برای والدین به ویژه پدران با ایجاد اطمینان، آن‌ها را آماده همکاری می‌کند و فرصت‌های ارزشمندی را برای تعامل با والدینی که کم‌تر در نشست‌ها حاضر می‌شوند، فراهم می‌آورد که با نتایج سایر پژوهش‌ها (Bonilla, 2022; Casello, 2008) هم‌سو است. هم‌چنین کاهاپی (Cahapay, 2021) توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی را در گرو تعاملات سازنده‌ای می‌پندارد که به تبع آن انجام وظایف و کارکردها با سهولت بیش‌تری انجام پذیرفته و سلامت عاطفی و اجتماعی، رشد و پیشرفت تحصیلی فرزندان را به دنبال خواهد داشت. نتایج تحقیقات نظریه‌پردازان نظام آموزشی در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که کیفیت نظام آموزشی به طور مستقیم به سه رکن اصلی والدین، مدرسه و دانش‌آموزان ارتباط دارد و مشارکت آن‌ها به بهبود نظام آموزشی کمک خواهد کرد. پژوهشگران (ZareeiKordshouli, 2015; Vanderhoven et al., 2014) در نظریه‌ای بیان می‌کنند که مشارکت والدین اثر مثبت بر رفتار و خواست شاگردان خواهد داشت و موجب تغییر رفتار، اصلاح رفتار و کاهش رفتار مشکل‌دار می‌شود.

نظریه‌های زیر به‌عنوان چشم‌اندازی در بحث مشارکت‌های والدینی در آموزش است:

- تئوری شش مرحله‌ای (Epstein, 2018): ارتباط با خانواده در خصوص برنامه‌های مدرسه و پیشرفت دانش‌آموزان، مشارکت والدین در امور درسی، داوطلب شدن والدین در موقعیت‌های مختلف، یادگیری در منزل و ارتباط خانواده با آموزش فرزندان، مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌ها، هماهنگ کردن خانواده‌ها با گروه‌هایی از جامعه را در تعامل خانواده و مدرسه مؤثر می‌پندارد.

- نظریه فرهنگی-اجتماعی (Vygotsky, 1987): این نظریه، اهمیت خانواده و فرهنگ را تشخیص می‌دهد. او قاطعانه خانواده را اولین معلم کودکان دانسته و بر همبستگی و وابستگی متقابل در رشد و یادگیری اشاره می‌کند و بر این اساس از این ایده حمایت می‌کند که خانواده دارای اهمیت است و در تعلیم و تربیت، توسعه و پیشرفت درسی سهم شایانی دارند.

- نظریه مدل‌های ارتباط خانه و مدرسه (Swap, 1993) شامل چهار مدل ارتباط خانه و مدرسه است. الگوهای حمایتی، انتقال خانه به مدرسه، اغنای برنامه درسی و مشارکتی که بیان می‌دارد به استثنای مدل شماره یک که دستیابی مؤثر به اهداف را از طریق حمایت مدرسه در مقابل مزاحمت‌های اولیا می‌داند؛ سه مدل دیگر در موفقیت فرزندان، بهبود برنامه آموزشی، تعامل والدین در امور، غنی‌سازی برنامه‌ها و محتواهای آموزشی، ایجاد ارتباط دو طرفه، بهبود یادگیری در خانه و مدرسه، کارگشا است.

- نظریه سیستم‌های اکولوژیکی (Bronfenbrenner, 1997) از جمله نظریات مهم در زمینه مشارکت والدین است. وی خانواده را عامل محوری رشد انسان معرفی می‌کند و در این زمینه یک مدل ارائه می‌دهد که نظام‌های چهارگانه او را معرفی کرده و از چهار لایه خرده نظام، میان نظام، برون نظام و کلان نظام تشکیل شده است، همچنین معتقد است ارتباط بین خرده نظام‌هایی مانند خانه و مدرسه در میان سیستم، منجر به سهولت رشد می‌شود.

- نظریه سیستمی (Bertalanffy, 1940) به عنوان ابزاری برای کمک به مدیران و تصمیم‌گیران در زمینه تسهیل پیچیدگی‌های مسائل سازمانی و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و اثربخشی سازمانی است. این نظریه به مدیران کمک می‌کند همه عوامل آموزشی و غیرآموزشی مدرسه، از جمله والدین را اجزای این سیستم به شمار آورده، تا در بهبود فرآیند آموزش و یادگیری و در استفاده از توانمندی‌های آنان به منظور مشارکت در امور مدرسه تلاش نمایند.

- نظریه مدل انتقادی تحول‌آفرین، در مدل کار با خانواده که یک مدل انتقادی تحول‌آفرین نامیده شده است، برای کار با خانواده، دانش، هویت و خرد خانواده به عنوان مؤلفه‌های مهم در مدرسه مورد توجه قرار می‌گیرد (Torres & Hurtado-Vivas, 2011). از طریق یک دیدگاه انتقادی کار با خانواده بیش‌تر به عنوان کار در کنار یا مشارکت با خانواده‌ها تصور می‌شود و بنابراین راه را برای اقدامات همه‌جانبه، شامل تصمیم‌گیری خانواده‌محور یا تصمیم‌گیرنده در کنار رهبران مدرسه برای تأثیر بر یادگیری و موفقیت دانش‌آموزان هموار می‌کند (Boehner & Graff, 2019).

این پژوهش با هدف ارائه مدل ارتقای تعامل اولیاء و مربیان برای سیاست‌گذاران، کارشناسان و مدیران مدارس به منظور پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بر اساس بررسی‌های انجام شده و با توجه به نظریه‌ها و شواهد تجربی در خصوص عدم مشارکت والدین به طور مؤثر در مدارس و توجه انحصاری مدارس به والدین در خصوص مشارکت‌های مالی، به منظور تحقق اهداف عالی آموزش و پرورش در توسعه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان کشور و با توجه به اهمیت موضوع همکاری والدین و آموزش و پرورش به عنوان دو نهاد اصلی تعلیم و تربیت، با طرح سه پرسش زیر انجام گرفت:

- مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای تعامل اولیاء و مربیان از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و اسناد کتابخانه‌ای کدامند؟

- مدل پیشنهادی ارتقای تعامل والدین-مدرسه چگونه است؟

- آیا مدل ترسیم‌شده از برازش کافی برخوردار است؟

روش

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی برای ارتقای تعامل والدین با مدرسه و نقش آن در پیشرفت دانش‌آموزان انجام شد. طرح پژوهش حاضر آمیخته از نوع اکتشافی متوالی بود که بر اساس توصیف کرسول (Creswell, 2015) در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. محیط پژوهش در مرحله کیفی شامل دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی بود. ابتدا در بخش کتابخانه‌ای، کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب، پایان‌نامه‌ها، همایش‌های ملی و بین‌المللی و اسناد بالادستی، خارجی و داخلی که در حوزه موضوع پژوهش نمایه شده است، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت؛ و در بخش میدانی، از

مشارکت‌کنندگان که افراد آگاه و متخصص در موضوع مورد پژوهش و کارشناسان مبرز، مدیران و مدرسان موفق در حوزه تعامل اولیاومرربیان بودند، تحقیق جامع و کاملی به عمل آمد. انتخاب نمونه در بخش کیفی به روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و با تکنیک ملاک‌محور^۲ صورت گرفت. ابزار پژوهش کیفی در بخش میدانی مصاحبه^۳ با مشارکت‌کنندگان، و در بخش کتابخانه‌ای بررسی مقالات، پایان‌نامه، اسناد مرتبط با موضوع و مدارک کلیدی آموزش و پرورش بود. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در بخش کتابخانه‌ای به روش تحلیل تفسیری^۴ و با استفاده از تحلیل مضمون^۵ تا دستیابی به شبکه مضامین^۶ انجام شد؛ و در بخش میدانی انجام مصاحبه^۳ با ۱۱ نفر از مشارکت‌کنندگان استان‌های مختلف که حداقل سه سال سابقه عضویت در انجمن اولیاومرربیان را داشتند و انتخاب آنان براساس آگاهی کافی نسبت به زوایای موضوع مورد پژوهش بود تا رسیدن پژوهشگر به اشباع نظری ادامه یافت.

به منظور مطالعه عمیق و دستیابی به عوامل مؤثر بر تعامل اولیاومرربیان، در بخش کیفی این پژوهش، از روش تحلیل مضمون (Attride-Stirling, 2001) به روش استقرایی استفاده شده است؛ یعنی در متن و واحدهای تحلیل، مؤلفه‌های مؤثر در تعامل اولیاومرربیان از متون استخراج شده و سپس طبقه‌بندی انجام شده است. متعاقباً به تلخیص داده‌ها اقدام شد و مضامین مشابه و تکراری در متون مقالات، کتب و پایان‌نامه‌ها که مرتبط با موضوع پژوهش بود با یکدیگر تلفیق شد. بدین صورت که ابتدا کدهای اولیه برگرفته از منابع و متون علمی-پژوهشی استخراج شد، سپس کدهای اولیه برگرفته از متن مصاحبه‌ها استخراج شد، پس از آن کدهای اولیه برگرفته از منابع و متون علمی پژوهشی (۲۹۰ کد) و مصاحبه‌ها (۳۷۷ کد) مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله، کدهای مشترک ادغام، کدهای نامربوط حذف و از ترکیب آن‌ها ۱۳۳ کد اولیه استخراج شد که بعد از بازبینی خبرگان و متخصصین و اعلام نظر آنان در مورد مضامین مرتبط، تعداد کدها به ۱۲۰ عدد تقلیل یافت. برای بررسی روایی مرحله کیفی، روش ممیزی کردن از سوی داور استفاده شد و این کار توسط دو نفر از اساتید دانشگاه دولتی و آزاد اسلامی انجام شد که هر دو محقق به طور کامل با روش تحلیل مضمون و موضوع پژوهش آشنا بودند. هم‌چنین اعتباریابی داده‌های کیفی در طول تحلیل داده‌ها با اقتباس از روش‌های پیشنهادی گال و همکاران (Gall et al., 2014) و به روش کاوش به وسیله مشارکت‌کنندگان نیز انجام شد. برای سنجش پایایی از ضریب پایایی هولستی^۷ استفاده شد و مقدار ضریب توافق هولستی ۰/۹۴ به دست آمد و نشان داد نتایج از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است.

بخش دوم، یک طرح پژوهش کمی است که با هدف اعتباریابی سیاهه محقق‌ساخته، تعیین ارزش یا وزن معیارهای به دست آمده از بخش کیفی انجام شد. روش انجام آن توصیفی و از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری در طرح کمی، مدیران مقطع ابتدایی و متوسطه اول و دوم بوده و از تعداد ۱۰۹۵۳۵ نفر نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انجام شد. جهت محاسبه حجم نمونه لازم برای انجام پژوهش، از فرمول کوهن-مانیون استفاده شد. بدین ترتیب که اعداد در فرمول قرار گرفته و حجم نمونه ۵۱۳ نفر حاصل شد. از سویی دیگر در این پژوهش از روش معادلات ساختاری برای بررسی برآزش مدل استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌های کمی در دو سیاهه توسط محقق ساخته شد. سیاهه نخست، برای تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. ابتدا نسبت روایی محتوایی^۸ محاسبه شد. میانگین گویه‌ها طبق نظر ۳۰ نفر از خبرگان و متخصصین ۰/۹۳ به دست آمد و چون بالاتر از حد نصاب ۰/۵۶ بود پذیرفته شد. سپس سیاهه دوم در اختیار نمونه آماری قرار گرفت. و جهت دستیابی به روایی لازم در طراحی و استفاده از سیاهه دوم نیز با متخصصان مشورت شد تا سیاهه مذکور از روایی

1. Purposive Sampling
2. Criterion- referenced Technique
3. Non- structured Interview
4. Interpretive Analysis
5. Thematic Analysis
6. Thematic Network
7. Holsti's Coefficient of Reliability
8. Content Validity Ratio (VCR)

بالایی برخوردار گردد. روایی کل پرسش‌نامه با اندازه‌گیری واریانس استخراج^۱ و میزان روایی هم‌گرا^۲ محاسبه شد. هم‌چنین روایی سازه‌ای^۳ پرسش‌نامه نیز با تحلیل عاملی تأییدی مورد سنجش قرار گرفت و مطلوب بودن مدل، تأیید شد. پایایی سیاهه محقق ساخته با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۴ محاسبه شد. نتایج پایایی‌های به دست آمده نشان‌دهنده پایایی یا همسانی درونی بالای مقیاس‌های به کار رفته در پژوهش است که از نظر آماری قابل قبول و مناسب است و طبق رابطه زیر، روایی هم‌گرا و پایایی ترکیبی برقرار بود.

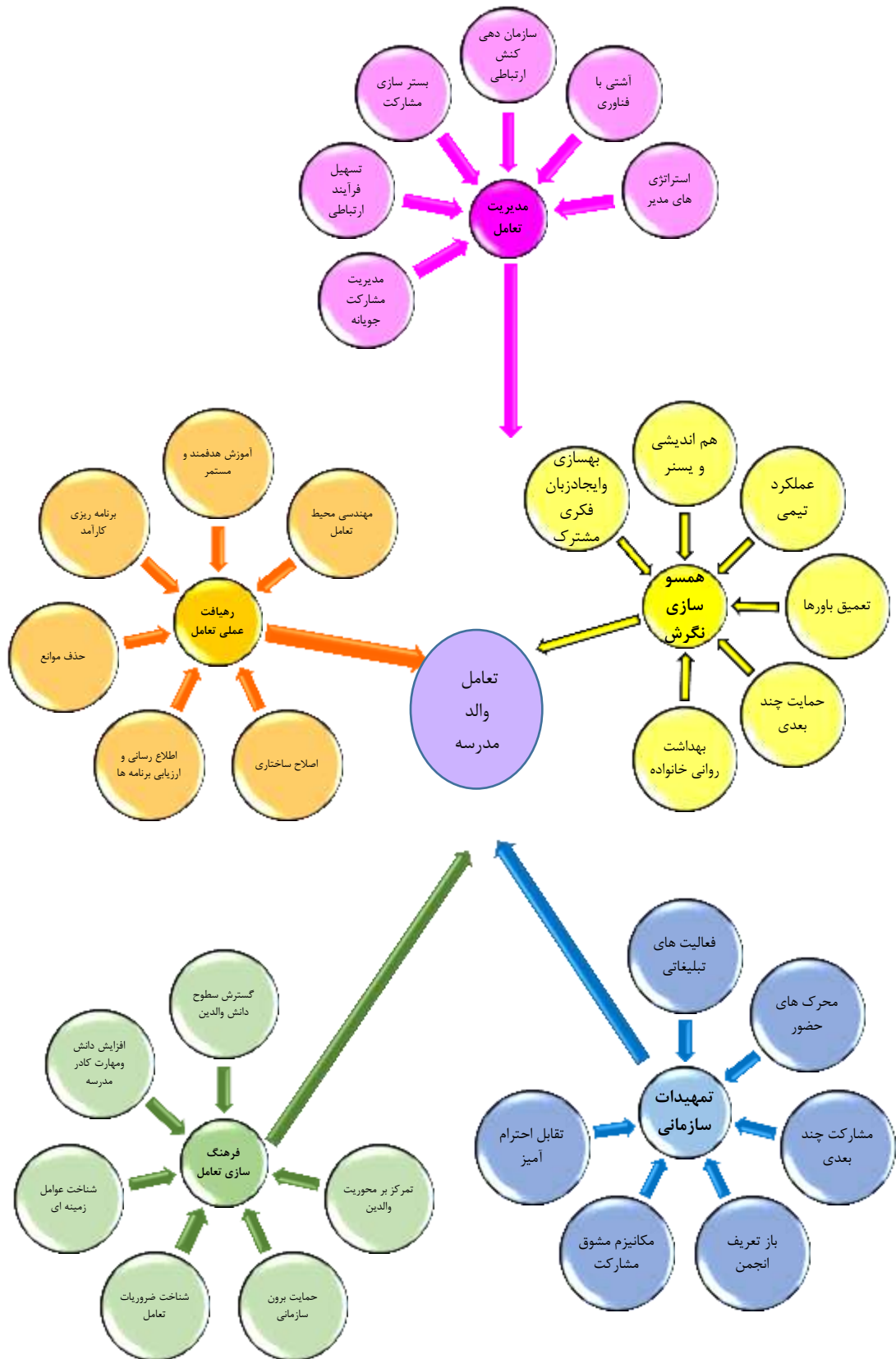
پایایی ترکیبی > پایایی ترکیبی، ۰/۷ > واریانس استخراج شده واریانس استخراج شده > ۰/۵.

یافته‌ها

سؤال اول (کیفی): مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای تعامل والدین - مدرسه کدامند؟

تعداد ۱۲۰ کد اولیه شناسایی شده از منابع و متون علمی و مصاحبه‌ها با مفاهیم مشترک دسته‌بندی شده و به هر ۴ مضمون اولیه یک کد پایه تعلق گرفت و ۳۰ مضمون پایه شناسایی شد. سپس هر ۶ مضمون پایه با مفاهیم مشترک در یک مضمون انتزاعی‌تر به‌عنوان مضمون سازمان‌دهنده دسته‌بندی شد. مضامین سازمان‌دهنده رهیافت عملی تعامل با مضامین پایه (اصلاح ساختاری، مهندسی محیط تعامل، برنامه‌ریزی کارآمد، حذف موانع، اطلاع‌رسانی و ارزیابی برنامه‌ها، آموزش هدفمند و مستمر)، فرهنگ‌سازی تعامل با مضامین پایه (گسترش سطح دانش والدین، افزایش دانش و مهارت ارتباطی کادر مدرسه، شناخت عوامل زمینه‌ای، شناخت ضروریات تعامل، حمایت برون سازمانی، تمرکز بر محوریت والدین)، تمهیدات سازمانی با مضامین پایه (فعالیت‌های تبلیغاتی، محرک‌های حضور والدین، مشارکت چند بعدی، بازتعریف انجمن، مکانیزم مشوق مشارکت، تقابل احترام‌آمیز)، مدیریت تعامل با مضامین پایه (آشتی با فناوری، سازماندهی کنش ارتباطی، استراتژی‌های مدیر، مدیریت مشارکت‌جویانه، تسهیل فرآیند ارتباطی، بسترسازی مشارکت) و هم‌سوسازی نگرش و عملکرد با مضامین پایه (عملکرد تیمی، تعمیق باورها، حمایت چندبعدی، بهداشت روانی خانواده، بهسازی و ایجاد زبان فکری مشترک) به همراه مضمون فراگیر تعامل والد-مدرسه در شبکه مضامین شکل (۱) ترسیم شده است.

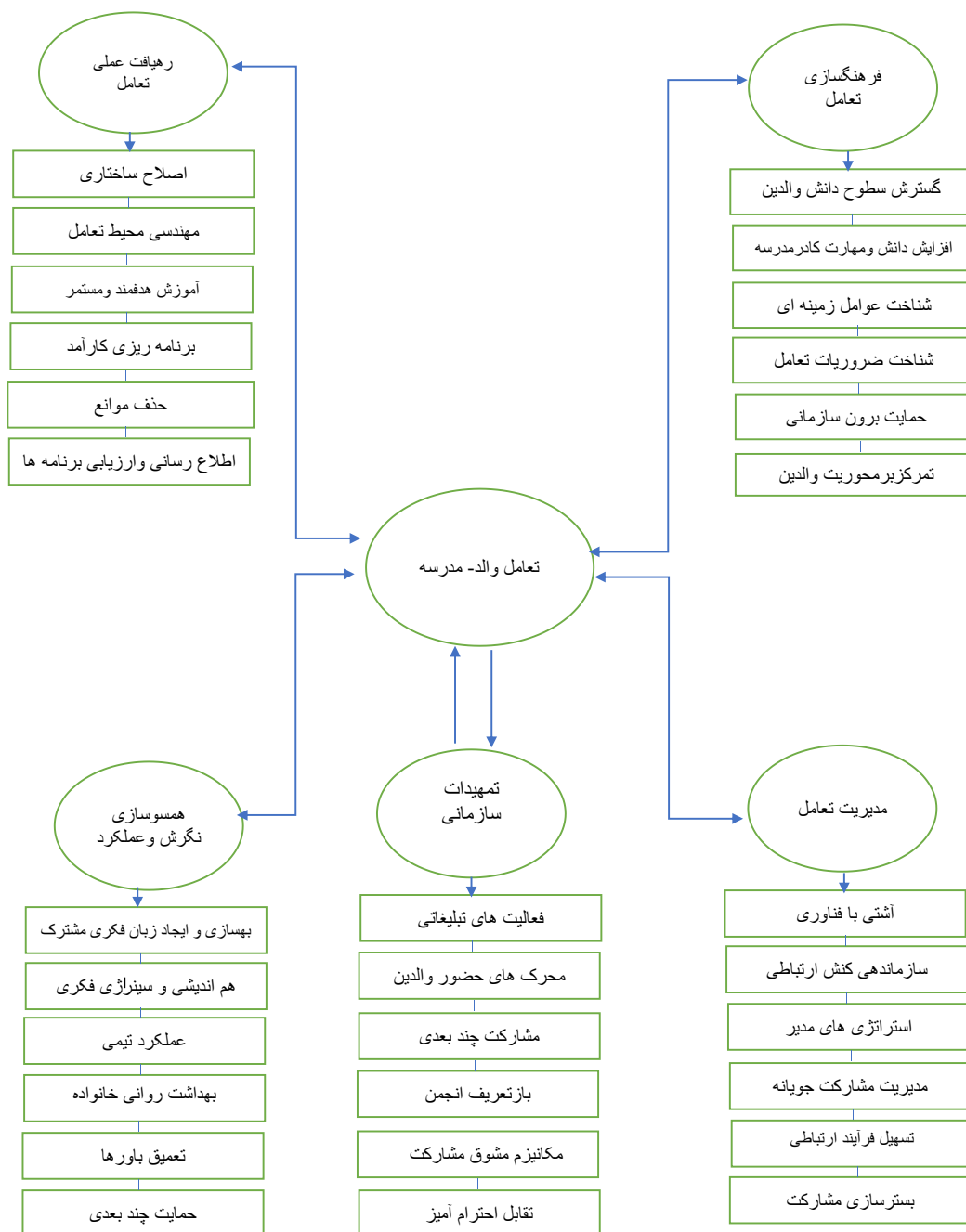
1. Average Variance Extracted
2. Convergent Validity
3. Construct Validity
4. Composite Reliability



شکل ۱. شبکه مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

سوال دوم (کیفی): مدل پیشنهادی ارتقای تعامل والدین - مدرسه چگونه است؟

در پاسخ به این پرسش مدل مفهومی پیشنهادی با توجه به مؤلفه‌های شناسایی شده مطابق شکل (۲) ترسیم شد.



شکل ۲. نمودار مفهومی مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر

یافته‌های کمی

سوال سوم (کمی) آیا مدل تعامل والد-مدرسه از برآزش خوبی برخوردار است؟

یافته‌های کمی در بخش دوم طرح پژوهش که با هدف اعتباریابی سیاهه‌های محقق ساخته، تعیین ارزش یا وزن معیارهای به دست آمده از بخش کیفی و برآزش مدل انجام شد به شرح جدول ۱ تا ۵ ارائه شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی رهیافت عملی تعامل و ابعاد آن

شاخص‌ها (متغیر)	کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین
رهیافت عملی	۱/۴	-۱/۳۳	۰/۱۱	۰/۱۰	۴/۹۶
اصلاح ساختاری	۱/۰۹	-۱/۳۴	۰/۰۲	۰/۰۱	۴/۹۶
مهندسی محیطی	۱/۰۵	-۱/۲۴	۰/۰۱	۰/۱۱	۴/۹۷
آموزش هدفمند و مستمر	۰/۶۶	-۰/۸۳	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۶
برنامه‌ریزی کارآمد	۱/۵	-۱/۱۷	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۷
حذف موانع	۰/۳۹	-۰/۶۰	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۷
ارزیابی برنامه‌ها	۱/۰۶	-۱/۲۲	۰/۰۲	۰/۱۵	۴/۹۵

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین رهیافت عملی برابر با ۴/۹۶ و میانگین بُعد مهندسی محیطی در این عامل بالاتر از همه ابعاد، ۴/۹۷ است که حاکی از توافق بیش‌تر مدیران در آماده‌سازی شرایط مدرسه برای تعامل والدین است. به عبارتی بهبود کیفی مناسبات لازم در ارتباط خانه و مدرسه و در یک کلام مهندسی ارتباط و تعامل در تعمیق و تقویت ارتباط دوسویه نقش به‌سزایی خواهد داشت.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی فرهنگ‌سازی تعامل و ابعاد آن

شاخص‌ها (متغیر)	کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین
فرهنگ‌سازی تعامل	۰/۱۶	-۰/۳۹	۰/۰۱	۰/۱۰	۴/۹۶
گسترش سطوح دانش والدین	-۰/۷۹	۰/۳۵	۰/۰۲	۰/۰۱	۴/۹۶
افزایش دانش و مهارت کادر مدرسه	-۱/۱۴	۱/۱	۰/۰۲	۰/۱۱	۴/۹۷
شناخت عوامل زمینه‌ای	۰/۹۲	-۰/۵۸	۰/۰۳	۰/۱۴	۴/۹۴
شناخت ضروریات تعامل	-۱/۲۲	۰/۱۷	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۵
حمایت برون سازمانی	۱/۴۹	۰/۷۲	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۷
تمرکز بر محوریت والدین	-۱/۰۷	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۱۵	۴/۹۵

در عامل فرهنگ‌سازی تعامل، میانگین ۴/۹۶ و بُعد افزایش دانش و مهارت ارتباطی کادر مدرسه، ۴/۹۷ بیش‌ترین میانگین را دارد و نشان از هم‌سویی دیدگاه مدیران در دانش‌افزایی همکاران آموزشی مدرسه و توانمند ساختن آنان در مهارت‌های ارتباطی است.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی تمهیدات سازمانی و ابعاد آن

شاخص‌ها (متغیر)	کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین
تمهیدات سازمانی	۰/۳۸	-۰/۶۴	۰/۰۱	۰/۱۲	۴/۹۶
فعالیت‌های تبلیغاتی در حوزه تعامل	۱/۹	-۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۱۳	۴/۹۷
محرك‌های حضور	۰/۳۳	-۰/۲۷	۰/۰۲	۰/۱۶	۴/۹۶
مشارکت چند بعدی	۱/۲۵	-۱/۱۴	۰/۰۳	۰/۱۶	۴/۹۶
بازتعریف انجمن	-۰/۶۵	-۰/۲۹	۰/۰۳	۰/۱۷	۴/۹۵
تقابل احترام آمیز در تعامل	۱/۷۷	-۱/۲۱	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۷
سازوکار مشوق مشارکت	۰/۱۱	-۰/۶۱	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۷

در عامل تمهیدات سازمانی با میانگین ۴/۹۶ دو بعد تقابل احترام‌آمیز و سازوکار مشوق مشارکت با رقم ۴/۹۷ دارای بیش‌ترین میانگین هستند. بنابراین می‌توان دریافت مدیران، برخورد مناسب ارتباطی با والدین و فعالیت‌های مشوق مشارکت را در تعامل والدین بسیار مؤثر دانستند.

جدول ۴. یافته‌های توصیفی مدیریت تعامل و ابعاد آن

شاخص‌ها (متغیر)	کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین
مدیریت تعامل	-۰/۸۲	-۰/۳۴	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۶
آشتی با فن‌آوری	-۰/۸۰	-۰/۶۰	۰/۰۳	۰/۱۷	۴/۹۶
سازمان‌دهی کنش ارتباطی	-۱/۴۶	-۱/۰۱	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۷
استراتژی‌های مدیر	-۱/۷۱	-۰/۸۴	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۷
مدیریت مشارکت جو	-۱/۵۹	-۱/۶۴	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۷
تسهیل فرآیند ارتباطی	-۱/۶۳	-۱/۶۲	۰/۰۳	۰/۱۷	۴/۹۵
بسترسازی مشارکت	-۱/۳۲	-۱/۲۱	۰/۰۲	۰/۱۵	۴/۹۷

در عامل مدیریت تعامل با میانگین ۰/۹۶ نیز بُعد مدیریت مشارکت‌جو، بیش‌ترین میانگین را با رقم ۴/۹۷ کسب کرده است که حاکی از گرایش مثبت مدیران به یک نگرش مشارکت‌جویانه در مسئولین مدارس دارد.

جدول ۵. یافته‌های توصیفی هم‌سوسازی نگرش و عملکرد و ابعاد آن

شاخص‌ها (متغیر)	کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین
هم‌سوسازی نگرش و عملکرد	۰/۱۲	-۱/۰۷	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۶
هم‌اندیشی و هم‌افزایی فکری	-۱/۰۲	-۰/۹۹	۰/۰۲	۰/۱۵	۴/۹۷
عملکرد تیمی	۰/۳۹	-۱/۵۴	۰/۰۴	۰/۲۰	۴/۹۶
تعمیق باورها	-۰/۸۶	-۱/۰۶	۰/۰۳	۰/۱۸	۴/۹۵
حمایت چند بعدی	-۰/۲۴	-۱/۳۳	۰/۰۲	۰/۱۳	۴/۹۷
بهسازی و ایجاد زبان فکری مشترک	۱/۵	-۱/۷۹	۰/۰۲	۰/۱۴	۴/۹۷
بهداشت روانی خانواده	۱/۶	-۱/۷۴	۰/۰۳	۰/۱۸	۴/۹۶

و در نهایت در عامل هم‌سوسازی نگرش و عملکرد با میانگین ۴/۹۶، سه بُعد هم‌اندیشی و هم‌افزایی فکری، حمایت چندبُعدی و بهسازی و ایجاد زبان مشترک با رقم ۴/۹۷ بیش‌ترین میانگین را کسب کردند که بیانگر توافق جمعی مدیران در ابعاد تأثیرگذار در تعامل والدین و مدرسه در عامل هم‌سوسازی نگرش و عملکرد بود. هم‌چنین در میان عوامل مؤثر در تعامل اولیاومربیان نیز دو عامل رهیافت عملی تعامل و مدیریت تعامل با میانگین ۴/۹۶ با اختلاف ناچیزی بیش‌ترین میانگین را در سیاهه به دست آوردند. همان‌گونه که در جداول شماره (۱) تا (۵) ملاحظه می‌شود مقادیر شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار و واریانس) بیانگر پراکندگی در حد عادی داده‌های مربوط به متغیرها و مؤلفه‌های آن و هم‌چنین شاخص‌های توزیع (کجی و کشیدگی) گویای تمایل داده‌ها به سمت توزیع نرمال در نمونه آماری پژوهش است.

جدول ۶. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات عامل‌های مؤثر تعامل والد-مدرسه

معنی داری	آماره	شاخص‌ها (متغیر)
۰/۰۷	۱/۱۵	رهیافت عملی
۰/۰۷	۱/۱۴	فرهنگ‌سازی تعامل
۰/۰۹	۱/۱۲	تمهیدات سازمانی
۰/۱۲	۱/۰۸	مدیریت تعامل
۰/۰۹	۱/۱۱	همسوسازی نگرش و عملکرد

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف در همه متغیرهای پژوهش نشان داده است که فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای پژوهش باقی است یعنی توزیع نمرات نمونه، نرمال و همسان با جامعه است و کجی و کشیدگی حاصل اتفاقی است (همه سطوح معنی داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد).

جدول ۷. شاخص‌های ارزیابی اعتبار و پایایی ابعاد اصلی تعامل والد-مدرسه

اعتبار ممیز	اعتبار همگرا	پایایی		مؤلفه‌ها
		پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	
فورنل و لارکر	متوسط واریانس استخراج‌شده			
۰/۸۷	۰/۶۱	۰/۹۰	۰/۸۸	رهیافت عملی
۰/۷۹	۰/۶۳	۰/۹۱	۰/۸۹	فرهنگ‌سازی تعامل
۰/۸۱	۰/۶۶	۰/۹۲	۰/۹۱	تمهیدات سازمانی
۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۹۳	۰/۹۳	مدیریت تعامل
۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۹۴	۰/۹۳	همسوسازی نگرش و عملکرد

نتایج هم‌چنین نشان داده است که در اجرای نهایی پرسش‌نامه، ضرایب آلفای کرونباخ در همه ابعاد و مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۷ به دست آمده است که قابل قبول است. هم‌چنین پایایی ترکیبی نیز بالاتر از ۰/۷ و مورد قبول به دست آمده است. شاخص میانگین واریانس استخراج شده^۱ یا میانگین واریانس استخراج شده در همه ابعاد پرسش‌نامه بالاتر از ۰/۵ به دست آمده است. شاخص فورنل لارکر^۲ نیز برای همه ابعاد در مقایسه با شاخص میانگین واریانس استخراج شده بالاتر است. بر این اساس می‌توان گفت پرسش‌نامه از پایایی مناسبی برخوردار است. هم‌چنین روایی هم‌گرا و روایی افتراقی پرسش‌نامه نیز قابل قبول است.

جدول ۸. نتایج ضرایب الگوی تحلیل عاملی مرتبه دوم در عوامل مؤثر در تعامل

خودگردان سازی				حداکثر درست نمایی				پارامتر		
حد بالا	حد پایین	خطای معیار	میانگین	نسبت بحرانی	خطای معیار	برآورد غیراستاندارد	معنی داری			برآورد استاندارد
۰/۹۸۷	۰/۷۴۴	۰/۰۵	۰/۹۲۷	-	-	-	۰/۹۳۴	۰/۹۳۴	رهیافت عملی	R ²
۰/۹۹۵	۰/۸۳۳	۰/۰۴	۰/۹۴۸	۱۴/۷۷	۰/۰۸۶	۱/۲۸	۰/۰۰۱	۰/۹۵۴	فرهنگ‌سازی تعامل	
۰/۹۹۶	۰/۹۳۷	۰/۰۲۳	۰/۹۸	۱۴/۰۹۸	۰/۰۷۵	۱/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۹۸۳	تمهیدات سازمانی	
۰/۹۹۳	۰/۸۳۲	۰/۰۳	۰/۹۶۲	۱۵/۷۶	۰/۱۰۶	۱/۶۷	۰/۰۰۱	۰/۹۶۳	مدیریت تعامل	
۰/۹۸۳	۰/۷۴۱	۰/۰۶	۰/۸۹۳	۱۴/۶۹	۰/۱۰۷	۱/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۸۸۱	همسوسازی نگرش و عملکرد	

1. Average Variance Extracted (AVE)

2. Fornell-Larcker

در مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم در عوامل مؤثر در تعامل، کلیه بارهای عاملی یا همبستگی عوامل اصلی معنی‌دار شده‌اند و سطح معنی‌داری در همه عوامل کم‌تر از ۰/۰۰۱ نیز نشان‌دهنده مطلوب بودن بار عاملی در همه عوامل مؤثر در تعامل است. هم‌چنین خطای معیار در پارامترهای اصلی در روش حداکثر درست‌نمایی کم‌تر از روش خودگردان‌سازی است، مقدار استاندارد برآورد شده برای همه پارامترهای اصلی در محدوده پایین و بالای برآورد شده برای این متغیرها به روش خودگردان‌سازی است که نشان می‌دهد پارامترهای برآورد شده و تفاوت معنی‌دار آن‌ها با صفر به روش حداکثر درست‌نمایی از دقت لازم برخوردار است.

میزان بررسی ضریب تعیین برای هر یک از پارامترهای اصلی تعامل والد-مدرسه در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹. ضریب تعیین مؤلفه‌های تعامل والد-مدرسه

ضریب	رهیافت عملی	فرهنگ‌سازی تعامل	تمهیدات سازمانی	مدیریت تعامل	همسوسازی نگرش و عملکرد
R^2	۰/۸۷	۰/۹۱	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۷۸
R^2 تعدیل شده	۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۷۸

ضریب تعیین نشان می‌دهد که چند درصد از واریانس یک متغیر توسط متغیر دیگر تبیین شده است. نتایج در جدول ۹ نشان می‌دهد که این شاخص برای رهیافت عملی برابر با ۸۷ درصد، فرهنگ‌سازی ۹۲ درصد، تمهیدات سازمانی ۹۷ درصد، مدیریت تعامل ۹۳ درصد و همسوسازی نگرش و عملکرد ۷۸ درصد است که این ضریب در تمهیدات سازمانی دارای بالاترین مقدار و در همسوسازی نگرش و عملکرد، دارای کم‌ترین مقدار است.

جدول ۱۰. شاخص‌های کلی برازش الگوی تحلیل عاملی مرتبه دوم جهت بررسی تعامل والد-مدرسه

مقتصد			تطبیقی		مطلق		
RMSEA	CMIN\DF	PCFI	CFI	TLI	P	DF	CMIN
۰/۰۸	۴/۳۹	۰/۷۳۲	۰/۸۹۶	۰/۸۵۵	۰/۰۰۱	۳۸۸	۱۷۰۳/۳۲

برازش مدل نیز مورد بررسی قرار گرفت و براساس نتایج به دست آمده در همه الگوهای اندازه‌گیری رهیافت عملی، فرهنگ‌سازی تعامل، تمهیدات سازمانی، مدیریت تعامل، همسوسازی نگرش و عملکرد و ابعاد آن‌ها شاخص‌های اسکوئر^۲ نسبی کم‌تر از ۵ حاصل شده است که نشان می‌دهد این شاخص از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. مقدار شاخص‌های تطبیقی توکر لوئیس^۳ و شاخص برازش مقایسه‌ای^۴ نیز در همه مدل‌ها نزدیک به ۰/۹ است. مقدار شاخص برازش مقایسه‌ای مقتصد^۵ نیز به‌عنوان شاخص نیکویی برازش بالاتر از ۰/۵ و مطلوب است. مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۶ نیز به‌عنوان مهم‌ترین شاخص برازش کلی در هر هفت مدل کم‌تر از ۰/۸ است و نشان می‌دهد که به‌طور کلی الگوها از برازش مناسب برخوردار است.

1. R-squared correlation
2. Chi-square
3. Tucker-Lewis Index (TLI)
4. Comparative Fit Index (CFI)
5. Parsimony Comparative Fit Index (PCFI)
6. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌توجهی به مدل ارتقای تعامل خانواده و مدرسه موجب می‌شود تعامل والدین با مدیر و مربیان کم‌رنگ شود و دانش‌آموزان نیز نتایج ثمربخشی نداشته باشند. آنچه محقق را به سمت ارائه مدل ارتقای تعامل والدین با مدرسه سوق داده این است که بررسی‌های پژوهشگر نشان می‌دهد الگوی مدونی برای ارتقای سطح کیفی عملکرد مدرسه در تعامل با خانواده به ویژه در راستای پیشرفت تحصیلی و بهبود یادگیری دانش‌آموزان وجود ندارد؛ لذا برای نیل به این مقصود ارائه مدل علمی و آزمون شده مبتنی بر نظریات مستدل و دستورالعمل‌های کارآمد ضروری است. لذا این مطالعه، با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ارائه الگوی ارتقای تعامل والدین و مدرسه به استخراج مضامین اصلی رهیافت عملی تعامل، فرهنگ‌سازی تعامل، تمهیدات سازمانی، مدیریت تعامل و هم‌سوسازی نگرش و عملکرد منجر شد.

راهکارهای عملی برای رسیدن به ارتباط دوسویه والدین و مدرسه بسیار مهم است. مؤلفه رهیافت عملی تعامل، شامل مجموعه فعالیت‌هایی می‌شود که ضمن اصلاح ساختاری در بدنه نظام آموزشی و سازمان مدرسه که شامل حرکت به سوی غیرمتمرکز کردن آموزش و پرورش و آزادی نسبی مدارس در انجام امور است با اجرای برنامه‌های اثربخش و ارزیابی برنامه‌ها به منظور رفع کاستی‌ها و تقویت برنامه‌های کارآمد، حذف موانع موجود در مسیر، مشارکت والدین-مدرسه را میسر می‌سازد. اعتماد ناکافی مدیر و معلمان نسبت به دخالت والدین در امور، منحصر ساختن جلسات انجمن به مباحث و مشکلات مالی در عدم حضور و مشارکت والدین مؤثر می‌باشد، به همین منظور تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به لزوم برنامه‌ریزی‌های منسجم و طراحی و ارزیابی برنامه‌های پیرامون مشارکت والدین در مدرسه، از جمله مهندسی محیط فیزیکی که در راستای توجه به محیط تعامل، فضا سازی مناسب، ایجاد احساس امنیت برای والدین به منظور مشارکت حداکثری آنان و به‌ویژه در نظر گرفتن مکانی خاص با امکانات مورد نیاز آنان در زمان حضورشان در مدرسه است، اشاره داشتند. از آن‌جا که انجام هر فعالیت و تثبیت آن، فرهنگ خاص خود را می‌طلبد، لذا فرهنگ‌سازی مشارکت والدین در امور مدرسه و لزوم توجه به پتانسیل‌های اجرایی آنان این فرآیند را تسهیل می‌سازد؛ این مسأله آمیزه‌ای از رویکردهایی است که بتواند سازمان مدرسه را در یک بستر فرهنگی مورد پذیرش ذی‌فعا در جهت بهبود و توسعه آموزش و یادگیری سوق دهد و لازم الاجرا می‌باشد. دانش‌افزایی و مهارت‌آموزی کارکنان مدرسه و اولیا به بهبود شیوه‌های ارتباطی و دگرگونی‌های رفتاری مثبت می‌انجامد، لذا استفاده از ظرفیت‌های اجرایی، علمی، فکری و تخصصی همه افراد جامعه، دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت را میسر می‌سازد. از دیگر سوی سازوکارهای سازمانی و تمهیدات مطلوبی که به واسطه آن، اولیا در مدرسه جایگاه واقعی خود را در تربیت و آموزش فرزندان بیابند، هم‌چنین رویکرد به دغدغه‌های والدین از مواردی است که نیازمند توجه خاص بوده و در مدل پیشنهادی به آن پرداخته‌ایم.

مدیران با نقش مؤثر خود در جلب مشارکت مردم، مدارس بسیار پویا و موفق از لحاظ تعلیم و تربیت دارند. مدیران استراتژیست، توانمند و آشنا به فناوری و اطلاعات با بهره‌گیری از تکنولوژی در آموزش و تربیت دانش‌آموزان با اطلاع‌رسانی‌های به موقع و سریع، والدین را در جریان وضعیت تحصیلی فرزندان و مسائل و مشکلات مدرسه قرار داده و با استفاده از برنامه‌ریزی‌های مدون، کارآمد و به‌روز، موجب افزایش حضور والدین می‌شوند و از ظرفیت‌های قابل توجه در الگوی مورد نظر هستند نگاه مشارکت‌جویانه و تصمیم‌گیری‌های مدرسه‌محور بر اساس مشارکت معلمان، مدیران، والدین و اعضای گروه‌های اجتماعی، بهبود محیط یادگیری دانش‌آموزان را به اثبات رسانده و موجب افزایش مشارکت و تعامل والدین می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر با ارائه مدل ارتقای تعامل والد-مدرسه نشان می‌دهد که مدارس برای حل مسائل و انجام امور خود و پیشرفت دانش‌آموزان و بهبود کیفیت آموزش و یادگیری به مشارکت عوامل درون و برون سازمانی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها نیاز دارند. یافته‌های این پژوهش زمینه‌ساز مداخلات مؤثر برای بهبود تعامل و مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزندان می‌شود. مواردی چون فراهم ساختن ساختار حمایتی خانواده و تلاش برای برقراری ارتباط بین والدین و مدرسه و واگذاری اختیار و مسئولیت و استفاده از پتانسیل و ظرفیت‌های علمی و تخصصی والدین، زمینه‌ساز

موفقیت و پیشرفت مدارس و افزایش انگیزه آنان می‌شود؛ لذا لزوم نگاهی نو و برگرفته از تجربیات موفق دیگر کشورها نیز در راستای بهبود این فرآیند الزامی است. این پژوهش، هم به لحاظ نظری و هم از نظر کاربردی دارای اهمیت است. در زمینه نظری شناسایی مؤلفه‌هایی که تعامل والدین و مدرسه را محقق ساخته و ارتباط آنان را ارتقاء می‌بخشد قابل توجه بوده و از نظر کاربردی یافته‌های پژوهش حاضر با تمرکز بر نظر ذی‌نفعان و اسناد کلیدی و عوامل شناسایی شده مدل در سطح کشور برای دوره‌های تحصیلی متفاوت قابل اجراست، هم‌چنین با اجرای الگوی به دست آمده می‌توان به محیط‌های آموزشی مناسب در جهت رشد، توسعه، اصلاح و بهبود نتایج یادگیری دانش‌آموزان دست یافت.

پیشنهاد می‌شود متولیان نظام آموزش و پرورش و مسئولین ستادی با توجه به عوامل مؤثر شناسایی شده در ارتقای تعامل والدین-مدرسه به صورت یک کل واحد با دیدگاه مشترک و عملکردهای هماهنگ سازوکار اجرای این مدل را فراهم نمایند. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود، حوزه ریاست ادارات آموزش و پرورش کشور شاخص‌های عملکردی در تعامل والدین با مدرسه را با توجه به ویژگی‌های بومی و محلی برای هر یک از اجزای مدل تدوین شده تهیه نماید و برای اجرای این مدل در مدارس کشور، رؤسای ادارات آموزش و پرورش و مدیران مدارس، آموزش‌های کاربردی و تخصصی دریافت کنند.

مشارکت نویسندگان

سهام نویسندگان در این پژوهش، به صورت مساوی بوده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در به ثمر رسیدن این پژوهش همراهی و مشارکت داشتند سپاسگزاری می‌شود.

تعارض منافع

در پژوهش حاضر تعارض منافی میان نویسندگان وجود ندارد.

منابع

- باقری، سیفعلی، امیرمحسنی، شاپور، و محمدی یوزباشکندی، فاطمه. (۱۳۹۲). مطالعه عوامل مؤثر بر بهبود میزان مشارکت اولیاء در فرآیند تحصیلی فرزندان. *مطالعات منابع انسانی*، ۳(۹)، ۴۰-۱۷.
- https://www.jhrs.ir/article_66262_fe9d0f7063895b71b5dcb12715ee5563.pdf
- جاوید، محمدجواد، و ایزدی جیران، اصغر. (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جعفریوسفی، نادر، و فریدون نژاد، مژگان. (۱۳۹۴). *تعامل اولیاء و مربیان و نقش آن در تعالی دانش‌آموزان (همراه با مدلی جهت ارزیابی انجمنهای اولیاء و مربیان مدارس)*. اصفهان: انتشارات کنکاش.
- خادم مسجدی، حمید، و نوروزی، داریوش. (۱۳۹۵). نقش والدین و هم‌کلاسی‌هایی که از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان (شهر دوشنبه تاجیکستان)، *روانشناسی تربیتی*، ۱۲(۴۲)، ۴۱-۵۶. <https://doi.org/10.22054/jep.2016.7382>
- ذاکری کلات، وحید. (۱۳۹۳). تعامل بین خانواده و اولیاء مدرسه، سومین همایش ملی سلامت و تندرستی روان، مشهد، قوچان، دانشگاه آزاد واحد قوچان، ۲۱ و ۲۲ شهریور. <https://civilica.com/doc/716701>
- رحیمی، عبدالرحیم، و قناتی، نادر. (۱۳۹۴). توانمندسازی نیروی انسانی (مورد کاوی کارکنان وزارت آموزش و پرورش)، *مدیریت فرهنگی*، ۹(۲۷)، ۱۴-۱. <https://journals.srbiau.ac.ir-81-88>

زارعی کردشولی، محمد. (۱۳۹۴). اثربخشی مشارکت والدین، معلم و دانش‌آموزان بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه. [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد]، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی مرودشت. سیف نراقی، مریم، و فریقی، سهیلا. (۱۳۹۲). بررسی چگونگی تعامل اولیاء معلمان، دانش‌آموزان عادی و دیرآموز و رابطه آن با افت تحصیلی دیرآموزان در مدارس عادی. *تعلیم و تربیت / استثنایی*، ۱۱۸ (۵)، ۲۵-۱.

<http://exceptionaleducation.ir/article-1-25-fa.html>

شارع پور، محمود. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۹ (۲) ۱۶-۱۰. <https://sid.ir/paper/443245/fa>

شهری، آذر، شیربگی، ناصر، و بلندهمتان، کیوان. (۱۳۹۷). تحلیل مداخله خانواده‌ها و اجتماعات محلی در فرایندهای آموزشی و مدیریتی مدارس با استفاده از مدل نظری «هم‌پوشانی حوزه‌های تأثیر». *مدیریت بر آموزش سازمان‌ها*، ۷ (۲)، ۱۶۷-۲۱۰. <http://journalieaa.ir/article-1-113-fa.html>

شیربگی، ناصر، عزیزی، نعمت‌الله، و امیری، شیلا. (۱۳۹۴). واکاوی مفهوم "مشارکت و مداخله در آموزش فرزندان" از دیدگاه والدین و معلمان. *علوم تربیتی*، ۲۲ (۲)، ۵۴-۲۱.

<https://doi.org/10.22055/edu.2017.12529.1318>

عسکری، فهیمه، منظری توکلی، علیرضا، منظری توکلی، حمداله، و زین‌الدینی، زهرا. (۱۴۰۰). اثربخشی سازگاری با مدرسه بر موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه: نقش حلقوی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۸ (۴۲)، ۲۴۳-۲۱۲. <https://doi.org/10.29252/qaie.5.3.5>

فیتز جرال، ادوارد. (۱۳۸۹). *مشارکت والدین در سال‌های نخست تحصیل فرزند*. ترجمه صغری ابراهیمی قوام. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

کریمی، یوسف. (۱۳۹۶). *روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)*، چاپ سی و ششم. تهران: انتشارات ارسباران.

گال، ج.، بورگ، و.، وگال، م. (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*. ترجمه ح عریضی، ز خسروی، ع کیامنش، م شهنی بیلاق، خ باقری، م خیر، م پاک سرشت، م ابوالقاسمی، انصر، چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت، دانشگاه شهید بهشتی.

نامداری پژمان، مهدی. (۱۴۰۳). *مدرسه تراز از منظر اسناد تحولی نظام تعلیم و تربیت: در جست‌وجوی الگوی مطلوب*. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۲ (۲۵)، ۵-۳۵. <https://doi.org/10.30497/esi.2024.246077.1760>

References

- Askari, F., Manzari Tavakoli, A., Manzari Tavakoli, H., & Zeinodiny, Z. (2021). The Effectiveness of Adaptation to School on Academic Success in Secondary School Students: The cyclical role of Islamic lifestyle and Western lifestyle. *Educational Psychology Studies*, 18(42), 243-212. <https://doi.org/10.29252/qaie.5.3.5>
- Attride-Stirling, J. (2001). *Thematic network: An analytic tool for qualitative research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>.
- Bagheri, S., Amirmohseni, S. H., & Mohamadi Yuzbashkandi, F. (2013). Studying the effective factors on improving the level of parents' participation in the educational process of their children. *Human Resource Studies Quarterly*. 12(9), 17-40 [In Persian]. https://www.jhrs.ir/article_66262_fe9d0f7063895b71b5dcb12715ee5563.pdf
- Bertalanffy, L. (1940). *General System Theory: Foundations, Development, Applications*. New York: United States of America. <https://doi.org/10.2307/1573450>
- Boehner, J., & Graff, C. S. (2019). Forming a mutually respectful university- community partnership through a "Family as faculty" project. *Engage Journal*, 1(1), 50-70 <https://doi.org/10.180.60/22816>

- Bonilla, M. T., Camo, J. G., Lanzaderas, R. A., Lanzaderas, R. A., and Bonilla, A. H. (2022). Parental involvement on child's education at home during COVID-19 pandemic. *Journal of Humanities and Education Development*, 4(3), 6-13. <https://doi.org/10.22161/jhed.4.3.02>
- Bronfenbrenner, U. (1997). Toward an experimental ecology of human development. *American Psychologist*, 32(7), 513-531. <https://doi.org/10.1037/0003-066x.32.7.513>
- Cahapay, M. (2021). Involvement of parents in remote learning of children amid COVID-19 crisis in the Philippines: A Transcendental Phenomenology. *International Journal of Sociology of Education*, 10(2), 171-192. <https://doi.org/10.17853/rise.2021.7317>
- Casello, D. A. (2008). A case study of site-based decision-making based on perspectives of the participations. University of Pittsburgh. *Florida Journal of Educational Administration & Policy*, 1(2), 50-61. <https://files.eric.ed.gov>
- Cooper, L. (2015). *Building home-school partnership with parents of English language learners in a high school community: A mixed method phenomenological study of one high school in Southern California*. [Ph.D. Thesis], University of Pepperdine, School of Education and Psychology.
- Creswell, J. W., (2015). *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Methods Approaches*, 4th ed, Thousand Oaks, CA: Sage. <https://doi.org/10.5539/elt.v12n5p40>
- Epstein, J. L. (2018). *School, family, and community partnerships*. New York: Routledge. 2nd Edition. <https://doi.org/10.4324/9780429493133>
- Evans, L. (2017). *Increasing parental involvement the effectiveness of a parent education programing. one urban charter school*. [M.A. thesis], The school of Education and Health sciences. University of Dayton.
- Fitzgerald, D. (2010). *Parents' participation in the first years of their child's education*. Translated by Soghra Ebrahimighavam. Tehran: parent-teacher association's Publication.
- Gall, G., Borg, V. & Gall, M. (2014). *Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology*. Translated by Nasr, A., et al., 9th. Tehran: SAMT.
- Goodall, J. (2018). Learning for parental engagement. working towards Partnership. *School Leadership & Management*, 38 (2), 143-146. <https://doi.org/10.1080/13632434.2018.1459022>
- Jaafaryousefi, N., & Feraydounnejad, M. (2015). *The interaction of parents and teachers and its role in the excellence of students: along with a model for evaluating parent-teachers associations*. Isfahan: Kankash Publication [In Persian].
- Javid, M., & Izadijeyran, A. (2011). *Social capital and its status in Iran*. Tehran: Institute of Cultural and Social Studies [In Persian].
- Karimi, Y., (2017). *Social psychology: Theories, concepts and applications*. Tehran: Arasbaran Publication [In Persian].
- KhademMasjedi, H., and Noruzi, D. (2016). The role of parents and classmates using information and communication technology on students' choice of study field. *Educational Psychology Quarterly*. 12(42), 41-56, [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/jep.2016.7382>
- Lekli, L., & Kaloti, E. (2015). Building parent-teacher partnerships as an effective means of fostering pupils' success. *Academic Journal of Interdisciplinary studies*, 4(1), 101-104. <https://doi.org/10.5901/aji.2015.v4n1s1p101>
- Maroofi, Y., & Mohammadi, M. H. (2019). The moderating role of learning climate on the impact of quality of school life on student self-efficacy. *School Administration*, 7(4), 120-100. <https://doi.org/10.34785/J010.1398.208>
- Mo, Y., & Singh, k. (2008). parents' relationships and involvement. Effects on student's school engagement, performance. *Virginia polytechnic Institute and state University*, 31(10), 1-11. <https://doi.org/10.1080/19404476.2008.11462053>
- Namdari Pejman, M. (2024). School in the Evolutionary Level of the Education System: In Search of the Ideal Model. *Islamic Perspective on Educational Science*, 12(25), 5-35. [In Persian]. <https://doi.org/10.30497/esi.2024.246077.1760>

- Oki ki, C. (2014). Effective home-school partnership: some strategies to help strengthen parental involvement. *South African Journal of Education*, 34 (3), 1-9. <https://doi.org/10.15700/201409161044>
- Olmstead, C. (2013). Using Technology to increase parent involvement in schools. Orange county Department of Education, *costamesa*, 57 (6), 28-38. <https://doi.org/10.1007/s11528-013>
- Pihlaja, P., Orell, M. (2020). Cooperation between home and school in the finish core curriculum 2014. *Nordic Studies in Education*, 40 (2), 107-128. <https://doi.org/10.23865/nse.v40.2224>
- Rahimi, A., & Ghanati, N. (2015). Empowerment of human resources (case study of employees of the Ministry of Education). *Cultural Management*. 9 (27), 1-14 [In Persian]. <https://journals.srbiau.ac.ir-81-88>
- Sayf Naraghi, M., & Farighi, S. (2013). Investigating the interaction of parents, teachers, normal and feebleminded learners and its relationship with the academic failure of feebleminded learners in normal schools. *Journal of inclusive education and training*. 118(5), 1-25 [In Persian]. <http://exceptionaleducation.ir/article-1-25-fa.html>
- Shahri, A., Shirbaygi, N., & Bolandhemmatan, K. (2018). Analysis of the intervention of families and local communities in the educational and management processes of schools using the theoretical model of "overlapping spheres of influence". *Management of training organizations' quarterly*, 2(7), 167-210 [In Persian]. <http://journalieaa.ir/article-1-113-fa.html>
- Sharepour, M. (2005). Social capital and its role in social and economic life. *Journal of social science education growth*. 9(2), 10-16 [In Persian]. <https://sid.ir/paper/443245/fa>
- Shirbagi, N., Azizi, N., & Amiri, S. (2016). Examining the Concept of Participation and Involvement in Children's Education: A Reflection on Parents and Teachers' Perception. *Journal of Educational Sciences*, 22(2), 21-54. [In Persian] <https://doi.org/10.22055/edu.2017.12529.1318>
- Swap, S. M. (1993). *Developing home – school partnerships*. New York: Teachers College Press. <https://doi.org/10.1177/019263658807250432>
- Torres, M. N., & Hurtado-Vivas, R. (2011). Playing fair with Latino parents as parents, not teachers: Beyond family literacy as assisting homework. *Journal of Latinos and Education*, 10(3), 223-244, <http://doi.org/10.1080/15348431.2011.581108>
- Toston, L. (2013). *Home and school factors and their influence on students' academic goal orientation and motivation*. [Ph.D. thesis]. University of Southern California. <https://www.overleaf.com>
- Vanderhoven, E., Schellens, T., & Valcke, M. (2014). Educating teens about the risk on social network sites: Useful or pointless? An intervention study in secondary education. *Media Research Journal*, (43), 123-131. <https://doi.org/10.3916/c43-2014-12>
- Vygotsky, L. S. (1987). *Mind in Society*. Cambridge: Harvard University PRESS. <https://doi.org/10.1017/s0033291700041507>
- Wang, M., & Sheikh Khalil, S. (2014). Does parental involvement matter achievement and mental health in high school? *Child Development*, 85(2), 610-625. <https://doi.org/10.1111/cdev.12153>
- Zakeri Kalat, V. (2014). The relationship between test anxiety based on family communication patterns and emotional intelligence in first-year high school students of Quchan city. *the third national conference on mental health and well-being, Mashhad, Quchan, Azad University, Qochan branch*. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/716701>
- Zareikordshuli, M. (2015). The Effectiveness of Parent, Teacher and Student Participation on the Academic Performance of Third Year High School Students. [M.A. Thesis], Faculty of Educational Sciences and Psychology, Marvdasht [In Persian]. <https://marvdasht.iau.ir>